

استفاده های سوء از آزادی بیان و دیموکراسی نیم بند و بیموقع افغانستان توسط اشخاصی چون حاجی فرید و امثال او

البته این مسأله امروز به همه واضح شده که افراد، اشخاص و گروه های منفعت جو و موقف طلب که قسماً منافع و مواضع شخصی خویش را بنا بر معامله گری های معمول درین دستگاه لجام گسیخته (دولت فعلی) از دست داده اند و یا در شرف از دست دادن هستند، با استفاده ازین آزادی صادراتی و بیموقع مدنی و مطبوعاتی که نصیب مردم افغانستان شده، (ایکاش نمیشد) گاه و بیگاه سر و کله های شان از تلویزیون های داخلی و خارجی در بحث های سیاسی بیرون میآید و به بسیار بیشر می، وقاحت و غیر مسئولانه از کار فرمای خود که اداره کرسی باشد، و از تمویل کننده های معاشات دالری شان که غربی ها باشد انتقاد، و از گروه های دهشت افکن دفاع میکنند.

جای بسیار تعجب بود زمانیکه مصاحبه حاجی فرید عضو سابق ولسی جرگه را با تلویزیون طلوع مشاهده میکردم، نامبرده بر علاوه اینکه به سؤالات مجری برنامه (که جوان واقعا پر معلومات، جسور و با حوصله بنظر میرسید)، جوابات بی مفهومی که مطلق مغایر منافع ملی بود ارائه میکرد، با بسیار بی ادبی با بلند نمودن دست بطرف پرسنده که خلاف همه موازین مصاحبه و مشاجره تلقی میگردد، کوشش می نمود تا با گرفتن قیافه جدی و آمرانه جوان سؤالی کننده را زیر تأثیر بیاورد و سخنان ضد مردمی و نوکر صفتانه خود را به کرسی حقیقت بنشانند و از حقایق اینکه یک طفل افغانستان هم از آن واقف است چشم پوشی نماید، بطور مثال حاجی فرید حملات انتہاری را صبغه شرعی میداد در حالیکه شورای عالی علمای افغانستان و علمای شیطان صفت پاکستان که استاد و رهنمود این قماش انسان ها محسوب می شوند با در نظر داشت منافع ملی کشور شان حملات انتحاری را از دیدگاه اسلام نا جائز و غیر شرعی اعلام نموده اند.

همچنان جای بسیار تأثر و تأسف است که جناب حاجی فرید و امثال وی در مدت ۵ سال عضویت در خانه ملت جزئی ترین انتقادی بالای دولت کرسی که از جمله ناقص ترین دولت های جهان محسوب می شود نداشتند و جزئی ترین دفاع یا طرفداری ازین گروه های عقبگرا و کوردلان تاریخ نمی کردند، ولی امروز با از دست دادن معاشات دالری، دسترخوان پولی ها، موتر، بادیکارد و غیره مخارج بیمورد لب به شکایت می گشایند و چهره های اصلی خود را که همانا سیاهدلی و انسان ستیزی است برای ملت افغانستان برملا می سازند.

باز هم باید تذکر دهم که همین آزادی بیان و مطبوعات (در کشوری چون افغانستان که بالاتر از ۳۰ سال جنگ تحمیلی را از طرف دشمنان خارجی و حملات داخلی شان پشت سر گذاشته مانند پیاله های زهری است که عمداً به حلقوم مردم افغانستان انداخته میشود)، باعث شده تا چهره هایی چون حاجی فرید، مولوی شاهد، سلام ضعیف، حکیم مجاهد، وحید مزده، شهنواز تنی (فروخته شده پاکستان و حزب اسلامی گلبدین) و غیره افراد افراطی چپ و راست که امروز با استفاده از همین آزادی بیان به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در میزهای مدور از دشمنان مردم افغانستان و از گذشته های ننگین شان (که هر روز مردم و بالخصوص اطفال معصوم و نازنین ما را که سرمایه های آینده ما هستند قصابی مینمایند)، با بسیار دیده درائی دفاع می نمایند و جنایات روزمره و گذشته آنها را به منظور خوشنودی پاکستان، ایران و غیره حلقات تروریستی به امید گرفتن موقف راه رسیدن به هدف میندازند. نمیدانم کجاست وجدان؟

بنظر من برای اشخاص فوق الذکر با این اضافه گوئی ها برضد منافع و مصالح ملی به عوض آزادی کلام و مطبوعات، به رژیم هایی چون دولت آخوندی ایران با همان قین و فانه، دولت سرخ شوروی سابق و هم پیمان هایش به شمول دولت خلقی ها و پرچمی های افغانستان با همان شکنجه های کمونیستی ضرورت بود که در بدل این گفته های غیر مسئولانه شان "مکافات مناسبی" برایشان داده میشود، تا در آینده برضد منافع ملی خود با خوشنود ساختن دشمن قرار نمی گیرفتند.

با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که اشخاص مطرح در دولت نابکار حامد کرسی مانند: آقایان هر یک مجددی، ربانی، گیلانی، سیاف، خلیلی، قسیم، محقق، محسنی، دوستم، تورن اسمعیل، سپینا، محمدی، قانونی، رحیم و

فاروق وردک، مشاورین ارشد و غیره اقارب این تیکه داران قدرت و سلطنت در افغانستان بشمول والی ها و قوماندان های بلند رتبه اگر "خدای نخواسته" از چوکی هائیکه در عقب شان سرش شده عزل و بر کنار شوند، بدون شک اولاً سکنه قلبی می کنند و احیاناً اگر مُردار نشدند به جبهه مخالف ولو هر جبهه که باشد می پوندند و مذبوحانه تلاش خواهند ورزید تا امتیازات شخصی از دست رفته خود را بدون در نظر داشت حق ملت و منافع ملی کشور از آن طریق اعاده کنند، که از نگاه انسانی و اسلامی یک عمل ناجائز و غیر مشروع به حساب می رود.

این هم قابل ذکر است که آیا ما افغان ها اصلاح پذیر هستیم و یا نه؟ اگر هستیم پس چه وقت اصلاح و به فکر منافع ملی خود می شویم، زیرا با این نوع عکس العمل هایی که اشخاص عالی رتبه دولت با عزل و برکناری شان از مقام و چوکی نشان می دهند مزده آنرا می دهد که اگر شخص کرزی هم برکنار گردد به خدا قسم است که با مخالفین می پیوندد.

پایان